

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سیده نیلوفر حسینی

گرافیسیت: سیده زهرا حسینی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویست شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مآخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی در قبال محتوا و نویسنده آن ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم
۴. سید مهدی نقوی، ارشد رشته ادیان ابراهیمی، قم جامعه المصطفی
۵. سید طالب زکی، دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی،
جامعه المصطفی العالمیه، قم.
۶. دکتر محمد اسماعیل حلیمی، دکترای جزا و جرم شناسی، جامعه
المصطفی العالمیه، قم

فهرست مطالب

۷	جایگاه اهل بیت در آیه «مودّت»
۲۵	گونه شناسی رویکرد فقه حکومتی در استنباط احکام
۴۳	تحلیل عنصر مادی و معنوی قذف الکترونیکی
۵۹	نگاهی به روابط تجاری ایران و افغانستان در سه حکومت گذشته ایران
۸۵	تمرین تمرکز مجدد جهت درمان وسواس در آموزه‌های اسلامی
۱۰۳	دین و انسجام اجتماعی
۱۲۱	تحلیل کتاب‌های دروس اجتماعی دوره ابتدای افغانستان از حیث همزیستی مسالمت آمیز مذاهب و اقوام در سایه تربیت دینی.
۱۳۹	وجود ذهنی و رابطه آن با علم در فلسفه اسلامی با تاکید بر دیدگاه شهید مطهری و علامه مصباح یزدی
۱۶۷	حکم توبه مرتکب کبیره از دیدگاه مذاهب کلامی شیعه
۱۸۹	حکم وضعی اهل کتاب از منظر شیخ طوسی و محقق خویی

سال چهارم، پاییز ۱۴۰۳، شماره ۱۵

نگاهی به روابط تجاری ایران و افغانستان در سه حکومت گذشته ایران

حبیب‌الله حسینی^۱ میرزا حسن صالحی^۲

چکیده: ایران و افغانستان اشتراکات فراوان با یکدیگر دارند. یکی از این روابط، روابط اقتصادی و تجاری بین این دو کشور همجوار است. پژوهش حاضر تجارت بین دو کشور ایران و افغانستان در سه حکومت اخیر ایران را مورد تحقیق قرار داده، و با بررسی تجارت در دوران قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی ایران، به این نتیجه رسیده که حجم تجارت بین این دو کشور با وجود اختلافات گوناگون و روبرو شدن با چالش‌هایی که روابط بین این دو کشور را کمرنگ کرده بود، نه تنها کم نشده بلکه با گذشت زمان و روی کار آمدن حکومت‌های جدید، روند افزایشی داشته است. تحقیق حاضر با بررسی شرکای تجاری ایران و افغانستان، به این نتیجه رسیده که این دو کشور یکی از شرکای اصلی هم برای صادران و واردات به حساب می‌آیند، و استفاده از ظرفیت‌های موجود در دو کشور و از بین بردن موانع، می‌تواند به تسهیل تجاری و گسترش شبکه توزیع و بازاریابی کمک شایانی کند. وازگان کلیدی: تجارت، ایران، افغانستان، دوران قاجار، پهلوی، جمهوری

اسلامی

۱. مقدمه

۱. طلبه سطح چهار جامعه المصطفی العالمیه (ص) / نویسنده مسؤل

رایانامه: habiballahahmadi238@gmail.com

۲. دانشجو کارشناسی ارشد دانشگاه قم

تبادل کالا و خدمات بین کشورهای مختلف بدون محدودیت، تحت عنوان تجارت خارجی و بین المللی یاد می‌شود. تجارت خارجی این امکان را فراهم می‌سازد که به بازارهای بزرگ‌تر و جهانی دسترسی داشته باشد و از منابع بالقوه آن بازارها استفاده نمایند (آدس وگلسر، ۱۹۹۹: ۱۰۳۱). هیچ یک از کشورهای در حالت توسعه نمی‌تواند از اقتصاد جهانی جهت توسعه اقتصادی، خود را کناره گیرد. منافع حاصل از سیاست‌های اقتصادی برون‌نگری از قبیل کسب مزیت در تولید کالاهای عمومی و کالاهای خاص، جریان یافتن سرمایه مولد به کشورهای که در حال توسعه است، و رشد اقتصادی و افزایش رفاه همیشه از مباحث فراگیر در ادبیات تجارت خارجی و بین‌المللی بوده است. بنابر اغلب نظر اقتصاددانان که تجارت خارجی را موتور توسعه می‌دانند (بالاسا، ۲۱: ۱۹۶۷). جذب سرمایه‌گذاری خارجی و صادرات تولیدات داخلی برای هر کشور یکی از محورهای اصلی رشد اقتصادی محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران با داشتن نقاط مشترک دینی، زبانی، فرهنگی و جغرافیایی با کشور افغانستان دارای مزیت‌های نسبی و مطلق فراوان در مقایسه با سایر کشورهای فعال در حوزه تجارت خارجی با افغانستان است، استفاده از این مزیت‌ها و ظرفیت‌ها در صورت برنامه‌ریزی هدفمند، موجب می‌گردد که کشور ایران بتواند بیشترین سهم در تجارت و سرمایه‌گذاری متقابل با کشور افغانستان را به دست آورد (حاجی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰). ایران یکی از شرکای مهم تجاری افغانستان است، و در خطوط تولیدی صنایع متوسط و کوچک افغانستان نقش مؤثر ایفا می‌کند. صادرات ایران به افغانستان به‌رغم تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، در سال‌های اخیر رشد قابل توجه را نشان می‌دهد. ایران و افغانستان در میان همسایگان یکی از طولانی‌ترین مرزها را در میان همسایگان نشان داراست؛ بنابراین روابط تجاری و اقتصادی دو کشور ایران و افغانستان خیلی مهم است و در آینده نیز مهم خواهد بود (قلندر، ۱۳۹۲: ۵۵).

۲. روابط تجاری ایران افغانستان

ایران و افغانستان دارای روابط فرهنگی تاریخی و تجاری طولانی مدت است؛ اما از آنجایی که منابع در این زمینه بسیار محدود است؛ لذا روابط تجاری افغانستان و ایران را می‌توان در سه بازه زمانی مورد بررسی قرارداد.

۱-۲. روابط تجاری ایران افغانستان در عصر قاجار

تاریخ افغانستان با سلطنت احمدشاه درانی یکی از سرداران نادرشاه افشار آغاز می‌گردد و تا پیش از آن بخش عظیمی از مناطق تحت تملک پادشاه مزبور جزء قلمرو ایران بوده است. اصولاً کلمه افغانستان بر مناطق تحت استیلای دولت درانی، یکی از سیاست‌های موزیانه انگلیسی‌ها بود که از این طریق بتوانند برای جدایی این بخش از خاک ایران به منظور امنیت بیشتر هندوستان، هویت و نام و نشان جدیدی دست‌وپا کنند (خزایی، ۱۳۸۶، ۷۹). افغانستان از همان نخستین سال‌های تأسیس سلسله قاجار، به علت هم‌جواری با هندوستان، توجه قدرت‌های اروپایی و اور آسیایی را برای عملی کردند سیاست‌های استعماری‌شان جلب کرد. از یک‌سو فرانسه و سپس روسیه، در صدد عبور از این منطقه، برای تسلط یافتن بر هندوستان و فشار آوردن بر انگلستان بودند. انگلستان و کمپانی هند شرقی نیز، در صدد تبدیل آن منطقه‌ای حائل و مستقل، برای ممانعت از دسترسی این دو به خاک هندوستان بود. از سوی دیگر، امرای افغان نیز با سیاست‌های مزورانه خود، در استفاده دو جانبه و مقطعی از دولت قاجار و دولت و کمپانی هند شرقی انگلستان، در جهت برآورده کردن منویات خود، برای کسب استقلال بودند (مختاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۵).

به‌رغم کوشش‌های بسیار زیاد دولتمردان قاجار برای حفاظت از منافع ملی، حاکمیت ارضی و استقلال سیاسی ایران در مقابل دست‌اندازی‌های بیگانگان و شورش‌های محلی، بنا به دلایل گوناگون خارجی و داخلی در تحقق این اهداف با مشکلاتی عدیده روبه‌رو بودند. رقابت‌های امنیتی، اقتصادی، و سیاسی دولت‌های بریتانیا کبیر و روسیه بر سر منافع موجود در ممالک آسیای مرکزی، شبه‌قاره هند و ایران که به «بازی بزرگ» شهرت یافت، سبب شد تا بخش بزرگی از منافع و انرژی دولت‌های قاجار با سرزمین‌های هم‌جوار به‌ویژه افغانستان، از این تحولات متأثر

شود. افغانستان به سبب اختلاف‌ها و درگیری‌های سیاسی داخلی امیران افغانستان و نیز به سبب نقش آفرینی ژئوپلیتیکی آن در به تحقق رساندن اهداف پیش روی قدرت‌های بریتانیا و روسیه، از این رقابت‌ها و حوادث مصون نماند. بنا بر شواهد تاریخی، امیران افغانستان در آن دوره و زمان، علاقه به سیطره دولت قاجار از خود نشان نمی‌دادند. اما به سبب ضعف نظامی، و تفرقه میان قبایل و جدیت سیاستمداران قاجار بر حفظ قلمرو اراضی که از نمونه‌های آن جنگ‌های معروف به هرات است، به‌ندرت چنین حسی از خودشان بروز می‌دادند. آنچه این تعادل و تعامل را بر هم زد عنصر سیاست‌های استعماری روسیه و بریتانیا بود. درگیری ایران با روس‌ها در شمال، طغیان و شورش قبایل و امیران افغانستان را در پیورد آ

داشت. انعقاد بعضی معاهدات بریتانیا با دولت‌های قاجار و امیران افغانستان به بدبینی و سوء ظن آنان از یکدیگر منجرگردید. تجهیز نمودن حکام و دخالت دولت هند بریتانیا در سیاست‌های داخلی افغانستان که هدفی جز تضعیف ارضی و سیاسی دولت قاجار نداشت، آثار منفی و مخربی بر تعاملات ایران با شرق گذاشت و سرانجام معاهده پاریس در سال ۱۸۵۶م. بازرترین و عینی‌ترین نمونه تأثیر سیاست‌های برد - باخت بازی بزرگ بر شکنندگی تعاملات دولت قاجار با سرزمین‌های هم‌جوار بود و افغانستان در پی آن از ایران جدا گردید (حمیدی و یوسف زهی، ۱۳۹۶: ۱۳۲-۱۳۳).

روابط ایران بعد از جدایی هرات و استقلال افغانستان از ایران، بیشتر محدود به اختلافات موجود بین دو کشور و تلاش‌های که برای حل آن می‌شد، چراکه افغانستان تا قبل از خروج از تحت‌الحمایگی انگلیس، سیاست و روابط خارجی مستقل و محکمی با هیچ کشوری نداشت. روابط دو کشور به حل فصل اختلافات مرزی و یا مسئله هیرمند و یا گاهی مبادلات تجاری سنتی می‌گذشت و در سال ۱۹۱۹م. انگلیس استقلال افغانستان را به رسمیت شناخت و پس از آنکه استقلال افغانستان اعلام شد، انگلیس از امتیازات خود در افغانستان صرف نظر کرد. دولت افغانستان هم تصمیم به ایجاد روابط با کشورهای متخلف گرفت تا هرچه زودتر افغانستان را در مجامع بین‌المللی به‌عنوان یک کشور مستقل، به همگان بشناساند. دولت ایران، اولین دولتی بود که استقلال افغانستان را به رسمیت شناخت و با این کشور

پیمان مودت و توافق‌های هم راجع به تابعیت افغان‌های ساکن ایران به امضا رساند (نیرآبادی، ۱۳۸۹: ۷۱).

اولین اختلافات سی و چهار سال پس از انعقاد قرارداد پاریس و جدایی هرات از ایران، در اواخر حکومت ناصرالدین‌شاه، در منطقه هشتادان به وجود آمد. این اختلاف به خاطر این بود که والی خراسان قصد داشت تا برخی قنات‌ها را در این منطقه پاک‌سازی کند که با مداخله افغان‌ها روبه‌رو شد و قرار به تعیین کمیسیون و حکمیت دولت انگلیس کشیده شد و به این ترتیب اولین حکمیت بین افغانستان و ایران شکل گرفت. دولت انگلیس ژنرال ماکلین کنسول انگلیس در مشهد را برای حل اختلافات تعیین کردند و از طرف ایران هم میرزا محب‌علی خان ناظم‌الملک کارگزار خراسان و پسرش میرزا سهام‌الملک و میرزا محمدعلی خان سرتیب مهندس و پسرش (میرزا عبدالرحیم خان کاشف‌الملک) و حاج مهدی‌قلی میرزا سهام‌الملک، از طرف حکومت افغانستان ژنرال غوث‌الدین و چند از بزرگان و قاضیان هرات به نمایندگی انتخاب شدند و این اختلافات را برطرف کردند.

دولتین ایران و افغانستان در سال ۱۹۳۵م. در راستای تشدید دوستی و مودت دوکشور هم‌کیش و هم‌جوار برای حل این اختلاف مرزی، از کشور ترکیه تقاضای میانجیگری و وساطت را جهت حل معضل سرحدی خویش نمودند و دولت ترکیه نیز جنرال «آلتایی» را برای میانجیگری تعیین کرد.

روابط تجاری ایران و افغانستان در عصر قاجار، به دلیل ساختار معیشتی، نظام بسته سیاسی و استعماری به شدت ضعیف شد. نظام اقتصادی سنتی (روستایی)، فئودالیسم شرقی و نظام شاهنشاهی سبب فقر عمومی، و عدم شکل‌گیری مالکیت خصوصی و ضعف تحرک ساختاری‌های سیاسی - اجتماعی گردید. عملکرد سیستم آبیاری ضعیف، مانع رشد مطلوب و بهره‌وری تولیدات کشاورزی شد. املاک اربابی و سلطانی نیز که شکل اغلب مالکیت زمین در این قرن بود ضربه مهلکی بر اقتصاد افغانستان و ایران وارد نمود (یوسف زهی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۱). هرچند این به معنای قطع روابط تجاری بین افغانستان و ایران نیست. تا قبل از به قدرت رسیدن قاجارها، طرفین معاملات تجاری ایران عبارت بودن از: هند، امپراتوری عثمانی، امارات

نشین‌های آسیای میانه و افغانستان. در نیمه نخست قرن نوزدهم اصلی‌ترین تحول در تجارت ایران افزایش تجارت با انگلیس به شمار می‌آید. افغانستان اهمیت تجاری خود را با ایران از دست داد. در سال‌های ۱۸۵۰ - ۱۸۰۰ بریتانیا بیش از نیمی از اقتصاد ایران را با افزایش بی‌رویه صادرات از مسیرهای تجاری سیستان، هند، خلیج فارس و عثمانی تصرف نمود و در مقابل سیاست‌های خارجی روسیه در قبال افغانستان در نیمه نخست قرن نوزدهم بر چند اصل بنا شده بود: نخست افزایش تماس‌های تجاری با افغانستان به دلیل تلاش دولت بریتانیا برای گسترش نفوذ اقتصادی در ایران و آسیای میانه. دوم برقراری پیوندهای سیاسی گسترده با افغانستان. سوم پنهان نمودن روابط تجاری با افغانستان را به دلیل حساسیت‌های سیاسی که انگلیسی‌ها در مورد همه مناطق و کشورهای همسایه هند از خود بروز می‌دادند (حق جو، ۱۳۹۸: ۴۷). پس از سال‌های ۱۸۸۰ م. در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی (عصری ناصری) تأسّف‌انگیزترین دگرگونی در اقتصاد ایران، افزایش سهم روسیه بود. به قسمی که در بین سال‌های ۱۸۶۰ - ۱۹۴۰ م. کل تجارت ایران به ارزش روبل طلا با روسیه دوازده برابر افزایش پیدا نمود. در خلال جنگ جهانی اول، روسیه حدود ۷ درصد صادرات ایران و ۵۰ درصد در واردات آن را به خود اختصاص داد که حدود دو سوم کل تجارت ایران بود. بنابراین نتیجه رقابت‌های روسیه و بریتانیا در قرن نوزدهم جز استقرار اقتصاد سیاسی خودمحمور مرکانتیلیستی در سطح کلان بین‌المللی و حذف تدریجی افغانستان از صحنه تجارت با کشور ایران چیزی به همراه نداشت (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۰۹).

۲-۲. روابط تجاری ایران افغانستان در عصر پهلوی

زمانی که رضاخان به تازگی با کودتا در ایران به قدرت رسیده بود و مرحله به مرحله زمینه انقراض سلسله قاجار را در کشور فراهم می‌ساخت، امان‌الله خان به تازگی سلسله امیران این کشور را برانداخته و به‌عنوان اولین پادشاه افغانستان بر تخت سلطنت نشسته بود. امان‌الله خان، پادشاهی بود که بسیار به روابط با کشورهای دیگر علاقه‌مند بود و در زمان او روابط ایران و افغانستان روبه‌بهبود نهاد. در واقع از

زمانی که استقلال افغانستان را به رسمیت رساند، اولین قدمی که برداشت اتحاد با ایران و ترکیه بود؛ چراکه به خوبی دریافته بود که اتحاد این سه کشور باهم توأم است. از همان ساعات نخست جلوس امان‌الله خان روابط دوستانه و مودت‌آمیز بین ایران و افغانستان رو به گسترش نهاد و نمایندگانی به ایران اعزام شد و اولین دستورهای وی، ازدیاد حسن روابط با ایرانیان بود. این مربوط به قبل از جلوس رسمی رضاشاه بود. بعد از مدتی در اواخر حکومت قاجارها در ایران وهم زمان با قدرت یابی رضاخان میرپنج، در بیست دوم ژوئن ۱۹۲۱م، روز اول تیر ۱۳۰۰ش. اولین عهدنامه مودت و دوستی بین ایران و افغانستان در کابل منعقد شد که از لحاظ سیاسی اهمیت فراوان داشت؛ زیرا موقعیت امان‌الله پادشاه افغانستان را در افغانستان و خاورمیانه تا حدود زیادی محکم کرد. این یکی از مهم‌ترین گام‌ها در ایجاد روابط بین دو کشور بود. این پیمان که سردار عبدالعزیز خان وزیر مختار افغانستان و میرزا حسن خان محتشم‌السلطنه وزیر امور خارجه ایران، آن را امضا کردند که مشتمل بر ۱۲ فصل بود و به لزوم تبادل هیئت‌های سیاسی، حل اختلاف اتباع، برقراری مناسبات دوستانه و تحکیم همکاری‌های دوجانبه در تمامی زمینه‌ها اشاره داشت. در پی امضای این پیمان، مجدالملک که در آبان ۱۲۹۹ه. ش به سفارت ایران در کابل تعیین شده بود، رهسپار حوزه مأموریت خود شد (نیرآبادی، ۱۳۸۹: ۹۶).

امان‌الله خان در سال ۱۹۲۸م. در سفرهای خارجی که داشت از ایران نیز بازدید و با رضاخان شاه ایران در زمینه اقتصادی، سیاسی گفتگوهای رسمی داشت. در ادامه این روند بعضی از اختلافات در روابط دو کشور به وجود آمد؛ مثلاً در ایجاد اصلاحات امانی که سبب نارضایتی مردم می‌شود، ایران متهم به دخالت در تحریک مردم هرات برای خودمختاری و ضمیمه شدن به ایران می‌گردد و حتی رضاشاه رسماً پیشنهاد می‌دهد به امان‌الله که به ازای الحاق هرات به ایران در راستای خاموش نمودن اعتراضات مردمی به امان‌الله کمک نماید؛ ولی امان‌الله این پیشنهاد شاه ایران را رسماً رد نمود. با سقوط دولت امان‌الله از دوره دولت نادرشاه، تا پایان دولت ظاهر شاه اساس روابط میان ایران و افغانستان، همان قراردادهای امان‌الله بود است. روابط سیاسی در سطح سفارت میان دو کشور باقی ماند؛ اما گرمی و سردی این روابط

تابع شرایط نزولات جوی در افغانستان و مسئله آب هیرمند بود. قرارداد پیرامون آب هیرمند در سال ۱۹۳۸م. میان دو کشور به امضا رسید مشروط به اینکه هر ساله هر مقدار آب که از رودخانه هیرمند به سد کمال خان در نیمروز می‌رسد، از بند کمال خان به بعد بالمناصفه بین دو کشور تقسیم گردد؛ ولی مجلس افغانستان از تصویب این قرارداد امتناع نمود و مذاکرات به سرانجام نرسید. در مجموع روابط سیاسی میان ایران و افغانستان با وجود اختلاف بر سر آب هیرمند و عدم توافق بر سر تقسیم و توزیع آن تأثیر منفی خود را بر روابط میان دو کشور در این دوران گذاشت. در سال ۱۹۷۳م. / ۱۳۵۱ش. سرانجام میان دو کشور مشکل و اختلافات آبی با امضا معاهده‌ای حل شد. اختلافات که قریب به یک قرن بر روابط دو کشور سایه افکنده بود با امضا این معاهده از میان برداشته شد؛ ولی طی اندک زمانی این معاهده با مخالفت جناح‌های کمونیستی خلق و پرچم روبرو گردید و با سرنگونی رژیم شاهی ظاهر شاه، پشتون‌های افراطی به رهبری محمد داوود خان، با این معاهده دوباره به مخالفت برخاستند، اما در تغییرات که در نگرش و روابط با ایران در اواخر حکومت داوود خان به وجود آمد در سال ۱۳۵۶ش. سرانجام فرمان تبدیل این اسناد رسماً توسط داوود خان صادر شد و این سند جنبه رسمیت یافت (قاسمی، ۱۳۹۳: ۵۳).

با پیدایش یک حکومت تقریباً قوی در ایران، از ابتدای سلطنت رضاشاه، اقداماتی برای تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور به عمل آمد. اقتصاد ویران ایران به تدریج رو به ثبات گذاشت و تاندازه‌ای یکپارچگی خود را به دست آورد. دولت، دوباره کنترل بازرگانی خارجی را در دست گرفت و سرمایه‌گذاری نیز رشد مداوم داشت. روابط اقتصادی با کشورهای مختلف آسیایی و اروپایی شکل منسجم‌تری به خود گرفت. هر چند که کشورهای آسیایی و خاورمیانه توان قدرت‌های بزرگ و اروپا را در تأثیرگذاری بر اقتصاد ایران نداشتند. درباره روابط اقتصادی ایران افغانستان باید گفت که به سبب ارتباطات ریشه‌دار تاریخی این دو کشور، ایران نقش مهمی در سیاست خارجی افغانستان دارد علاوه بر آن، ایران یکی از مهم‌ترین طرف‌های تجاری افغانستان است. تجارت خارجی افغانستان هم تابع حوادث اقتصادی و

سیاسی با ممالک هم‌جوار است؛ چرا که افغانستان به راه‌های دریایی دسترسی ندارد و در خشکی محاصره شده است. در زمینه اقتصاد افغانستان می‌توان گفت تحولات اقتصادی بسیار زیادی در فاصله پادشاهی امان‌الله خان و ظاهر شاه در افغانستان ایجاد شد طی برنامه‌های چند، زمینه رشد نهادهای اقتصادی، با تحمل پاره‌ای از فعالیت‌های مخالفت‌آمیز فراهم شد. صادرات و واردات این دو کشور به یکدیگر از توازن برخوردار نبوده و سهم ایران در این مسئله بیشتر بوده و صادرات افغانستان به ایران بسیار کمتر از ایران بود. شاید به این خاطر که افغانستان تازه مستقل شده بود و هنوز آن قدر قدرت نیافته بود که توانایی رقابت سنگین با ایران را داشته باشد، بنابراین محصولاتی را که افغانستان از ایران وارد می‌کرد، شامل مواد اولیه و لوازم و اشیای مورد استفاده روزمره زندگی مردم بود که افغانستان صنعت ایجاد آن را نداشت. محصولات مانند بلوریجات، گلیسیرین صابون، سیگار، توتون، چاق، منسوجات پارچه‌های ابریشمی، پارچه حریر، پارچه‌های نخی، نخ ابریشم و قالی و شال‌های ابریشم، تخم نوغان، کفش و پوتین و جوراب میوه‌ونان و مرکبات و ماهی و شیرینی و صفحات گرد و اشیای متفرقه. درباره میزان دقیق کالاهای ایرانی به افغانستان در این دوره آمار دقیقی وجود ندارد. فقط برخی آمارهای کوتاه‌مدت موجود بود برای نمونه آمار صدور کالاهای درجه سوم در سه ماه آخر سال ۱۳۱۷ افغانستان ۱۰۲۰۳۷۰۰ کیلوگرم به قیمت ۳۰۵۱۶۹ ریال بود. البته صادرات افغانستان به ایران هم نقش مهمی در اقتصاد این کشور داشت هرچند که منابع افغانی آن را بسیار کم دانسته، طوری که نباید آن را حساب کرد. با این حال از لابه‌لای گزارشی که درباره وضعیت اقتصادی و تجار افغانستان که از هرات به اتاق تجارت ارسال شده و در آن به صادرات افغانستان به کشورهای مختلف اشاره شده است، می‌توان به صادرات این کشور به ایران پی برد. به نظر می‌رسد که بیشترین محصولی که ایران از افغانستان وارد می‌کرد ماده‌ای به نام شیرخشت بود که از کوه‌های هرات به دست می‌آمد. محصول دیگر تریاک بود که به صورت قاچاق وارد ایران می‌شد، تخم یونجه که میزان زیادی از این محصول به ایران و بقیه به سایر کشورها صادر می‌شد، محصول وارداتی دیگر پسته و مغز پسته هم که بیشتر به روسیه، هند و ایران صادر و از راه ایران ترانزیت می‌شد.

همچنین پنبه و پشم که البته بیشتر به روسیه و کمی به ایران و هند صادر می‌شد. روده آنقوزه، پوست قره‌گل، روباه، سمور، گوسفند و بز و غیره که بیشتر به روسیه و هند و کمی هم به ایران صادر می‌شد و اقلام متفرقه دیگری چون برک بربری و پوستین و نمد و غیره از جمله کالاهای بود که ایران از افغانستان وارد می‌کرد (نیرآبادی، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

در دهه ۱۳۲۰ش / ۱۹۴۰م در کشورهای ایران و افغانستان شاهد تبعات ناشی از جنگ دوم جهانی هستیم به این معنی که در ایران حضور نیروهای متفق به‌ویژه شوروی که در پی راه‌انداختن حکومت‌های خودمختار آذربایجان و کردستان بود و سپس احزاب و گروه‌های مختلفی که سال‌ها در دوره رضاشاه فعالیت‌های خود را پنهانی و به‌نوعی زیرزمینی ادامه دادند. از لحاظ اقتصادی هم آن‌گونه که از گزارش‌های این دوره برمی‌آید، می‌توان به بلوهای نان و قحطی‌های گوناگون، اوضاع فلج کشاورزی و صنعتی اشاره کرد.

واردات و صادرات افغانستان تا پایان جنگ جهانی اول (۱۹۱۸)، متأثر از سیاست‌های اقتصادی بریتانیا و روسیه از مسیر هند و راه‌های ترانزیتی شمال (۱۹۱۸) صورت می‌گرفت (ادوای، ۱۳۹۳: ۵۱) که سبب شد محوریت تجاری خود را در جاده ابریشم برای ترانزیت کالاهای چین به ایران و برعکس از دست بدهد. ولی در پایان دوم قرن بیستم، وقوع انقلاب روسیه، باعث استقلال افغانستان شد و کودتای رضاخان در ایران به نقطه عطفی در اقتصاد سیاسی ملی و منطقه‌ای ایران و افغانستان تبدیل شد. انقلاب روسیه موجب عقب‌نشینی نیروهای روسیه از شمال ایران، لغو همه امتیازات و پیمان‌های اقتصادی روسیه با ایران و پایان دادند سلطه امپراتوری روسیه بر اقتصاد کشور گردید (حق‌جو، ۱۳۹۸: ۴۸). از طرف دیگر استقلال افغانستان در سال ۱۹۱۹م. از بریتانیا رقم خورد و ایران اولین کشوری بود که استقلال افغانستان را به رسمیت شناخت. دولت جدید کابل به خاطر هزینه‌های زیاد واردات کالا از کشورهای دیگر در صدد برآمد تا روابط دیپلماتیک با ایران برقرار نماید در سال ۱۹۲۰م. سردارالعزیز خان به عنوان نماینده سیاسی از سوی امان‌الله، رهبر افغانستان عازم ایران گردید تا پیشنهادهای کشورش را در چهار فقره: اقامه کنسولی در

دو کشور، مبادله سفیر، برقراری روابط دیپلماتیک و تجاری تسلیم دولت ایران (پهلوی اول) نماید (یوسف زهی، ۱۳۹۶: ۷۹). صادرات نفت ایران به افغانستان در سال ۱۹۴۸ م. آغاز گردید. انعقاد نخستین موافقت‌نامه نفتی ایران و افغانستان در سال ۱۹۵۱ م. در بجنوبه نهضت ملی شدن نفت و باهدف دور زدن تحریم‌های بین‌المللی، به نقطه عطفی در گسترش روابط اقتصادی دو کشور تبدیل شد. در سال ۱۳۲۱ ش. نخستین سالی بود که مقداری زیادی از پسته افغانستان از راه هرات به مشهد صادر شد. یکی از کالاهای که همواره در تمام طول دوره پهلوی اول و دوم از ایران به افغانستان صادر می‌شد سیگار بود با رفع نسبی مشکلات بین مرز ایران و افغانستان در سال ۱۳۳۶ تجارت ایران حدود دو میلیون سی‌هشت هزار ریال، کالا به افغانستان صادر کردند، و متقابلاً در این سال، سه میلیون و صد پنجاه و نه هزار ریال، محموله صادراتی وارد ایران شد (ادوای، ۱۳۹۳: ۱۳۵). قرارداد نفتی و موافقت‌نامه بازرگانی ۱۹۶۳ توانست تا اوایل دهه ۱۹۷۰ در بهبود وضعیت اقتصادی افغانستان و گسترش نفوذ سیاسی و تجاری ایران در این کشور، مؤثر واقع شود (فرهنگ، ۱۳۹۵: ۱۲۵). ایران یکی از بهترین روابط اقتصادی خود را در دهه ۱۳۵۰ ش با افغانستان داشت. در واقع در زمان داود به‌ویژه اواخر حکومت وی روابط سیاسی و اقتصادی ایران گسترش چشمگیری یافت (عباسی، ورنجبردار، ۱۳۹۰: ۲۱۳). روابط اقتصادی افغانستان و ایران در دهه ۱۳۵۰ ش. گسترش بیشتری یافت. حجم روابط اقتصادی دو کشور در سال ۱۳۵۰ ش. در حدود ۱۰۰ هزار دلار بود و به حدود یک میلیون دلار در سال ۱۳۵۵ ش. رسید؛ اما در سال ۱۳۵۷ ش. روابط اقتصادی آن‌ها با سقوط دولت‌های افغانستان و ایران به پایان رسید و بعد از آن تا اوایل سال ۱۳۷۱ ش. و سقوط دولت نجیب‌الله، مبادلات رسمی میان دو کشور ایران و افغانستان وجود نداشت (ادوای، ۱۳۹۳: ۱۴۰).

۲-۳. روابط تجاری ایران افغانستان در عصر جمهوری اسلامی

با کودتای شبه کمونیستی در سال ۱۹۷۸ میلادی و سقوط دولت داوود خان و وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ م. دو واقعه بسیار مهمی بود که هم بر اقتصاد سیاسی ملی دو کشور و هم بر اقتصاد بین‌المللی و خارجی تأثیرات زیادی

داشت. بعد از کودتای ۱۹۷۸م. افغانستان در دامان اقتصاد مارکسیسم روسی افتاد و طرح‌های عمرانی - توسعه‌ای افغانستان و ایران با سلطه اقتصاد سرمایه‌داری غرب متوقف شد و افغانستان به تدریج به شوری وابسته شد و توسط کمک شوروی تا سال ۱۹۸۴م. بیش از ۱۰۰ پروژه مهم صنعتی و مهندسی در افغانستان احداث گردید (بخشی، و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۵). تا سال ۱۹۹۰م. شوری نخستین واردکننده و صادرکنندگان کالا از افغانستان بود. در سال ۱۹۹۲م. به میزان ۸۶/۶ درصد از کل صادرات افغانستان به هند، تایوان و شوروی و ۸۱/۲ درصد از کل واردات آن به شرق دور، فرانسه، ژاپن، و شوروی بوده است. طی این سال‌ها قطع روابط دیپلماتیک و تجاری افغانستان و ایران قابل بیش بینی بود، چراکه خلق کدهایی همچون معنویت‌گرایی، عدالت‌محوری، استعمارزدایی توسط انقلاب اسلامی ایران رویکرد جدید و متفاوت در اقتصاد سیاسی و بین‌المللی پدید آورد که می‌توان از این به نام «گفتمان فرهنگی اقتصاد سیاسی بین‌الملل» یاد نمود؛ بنابراین گفتمان انقلاب اسلامی نه تنها رژیم شبه کمونیستی افغانستان را به رسمیت نمی‌شناخت؛ بلکه آنان را مادی‌گرا و دست‌نشانده بلوک شرق می‌دانست.

بعد از سقوط دولت شبه کمونیستی در افغانستان و آغاز حکومت مجاهدین (۱۹۹۶-۱۹۹۲م.) روابط دیپلماتیک تهران - کابل مجدداً برقرار گردید و تعاملات بازرگانی ایران و افغانستان از سرگرفته شد. از سوی دیگر، در دهه ۱۹۹۰م. دولت هاشمی رفسنجانی نظام اقتصاد سیاسی باز و آزاد را به جای نظام دولتی دهه ۱۹۸۰م. نمود که منجر به تقویت بخش خصوصی، اقتصادمحور و برون‌گرا شدن سیاست خارجی شد، به گونه‌ای که تلاش گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ اقتصادی - صنعتی برای بازاریابی منطقه‌ای و جهانی، زمینه ساز گسترش روابط و مناسبات اقتصادی - سیاسی ایران با سایر کشورها به ویژه در قالب سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای همچون آکو گردید. به همین جهت، افغانستان با تلاش و مساعدت ایران، به حلقه تجاری آکو پیوست. اما بابتی‌های سیاسی ناشی از جنگ داخلی احزاب مجاهد، روابط اقتصادی ایران افغانستان را با چالش بزرگی مواجه ساخت و زمینه را برای ظهور اقتصاد سیاسی بنیادگرای طالبان فراهم ساخت. دولت ج. ا. ایران نیز حکومت

طالبان (۱۹۹۶م.) را به رسمیت شناخت در عصر طالبان روابط دیپلماتیک تهران - کابل به دلیل اختلافات ایدئولوژیکی و سیاسی قطع گردید و ایران مناسبات بسیار محدود تجاری با طالبان برقرار نمود (یوسف زهی، ۱۳۹۶: ۷۷).

وقایع تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۰، فرصت لازم را برای نظام بین‌الملل و سرکردگی امریکا برای مقابله با آن رژیم فراهم کرد. ایران به دلیل هم‌جواری و حضور نیروهای مجاهدین در کشور خود، سهم عمده‌ای در حذف طالبان از جغرافیای سیاسی افغانستان و تشکیل دولتی فراگیر به رهبری حامد کرزای داشت. بدین‌سان با استقرار شرایط باثبات در افغانستان، ایران با نگاه فرصت‌محور به شرایط کنونی افغانستان، تأسیس دولت کارآمد و ملی در آن سوی مرزهای شرقی را باعث دستیابی به منافع اقتصادی خاصی دانست؛ بنابراین می‌توان افغانستان را برای ایران منبع ثروت یابی و تأمین امنیت ملی تصور کرد. (عباسی، ورنجبردار، ۱۳۹۰: ۲۱۴). رویکرد اقتصادی ایران ناشی از یک نگاه فرصت‌محور به افغانستان بود. بازار مصرفی ۳۲ میلیونی افغانستان، اقتصاد کاملاً مصرفی آن، افغانستان به‌عنوان مهم‌ترین بازار هدف کالاهای ایرانی، خوگرفتن ذائقه میلیون‌ها افغانی با کالاهای ایرانی، توانایی ایران در صدور خدمات فنی و مهندسی به آن کشور و... از جمله مزیت‌های نسبی حضور ایران در آن کشور بود (همان، ۲۲۴).

در نیمه نخست دهه دوم قرن ۲۱م. هم‌زمان سه رویداد بر تعمیق روابط افغانستان و ایران اثرگذار شد. نخست در ایران دولت حسن روحانی روی کارآمد، و بر دیپلماسی و سیاست خارجی اقتصادمحور تأکید داشت. دوم توسط رهبر ج. ا. ایران سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی ابلاغ گردید. سوم ساختار دولت در افغانستان نهادینه شد. با آغاز به کار دولت اشرف غنی آب‌های آزاد بین‌المللی (جنوب و جنوب شرقی) توجه بیشتری را به خود جلب نمود در همین راستا، اشرف غنی در ژوئن ۲۰۱۶م. در سفری به ایران در نشستی سه‌جانبه با نخست‌وزیر هند، و حسن روحانی سند همکاری توسعه چابهار را امضا نمودند. از طرفی ابلاغ سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی نیز بر گسترش روابط خارجی ایران با سایر کشورها به‌ویژه کشورهای همسایه تأکید بیشتری داشت که سبب شد تا روند همکاری‌های اقتصاد

سیاسی ایران و افغانستان شدت بیشتر پیدا کند (یوسف زهی، ۱۳۹۵: ۱۲۰). حجم تجارت خارجی افغانستان در سال مالی منتهی به ۲۰۱۹ قریب به ۹/۵ میلیارد دلار بوده است. میزان صادرات ایران به افغانستان از اواخر دهه ۹۰ به این سو و در واقع در تمام طول دوران حضور نیروهای ائتلاف در این کشور، به طور متوسط سالانه ۲۹/۸ درصد رشد داشته است. صادرات ایران به افغانستان پس از توافق هسته‌ای، با افزایش تولید ناخالص داخلی حدفاصل سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷، رشد نموده و با آشکارشدن آثار خروج دولت آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و اعمال دوباره تحریم‌ها در تولید ناخالص داخلی ایران، واردات از افغانستان در سال ۲۰۲۰ به کمتر از نصف سال ۲۰۱۶ کاهش یافت و صادرات ایران به افغانستان نیز تقریباً به میزان یک‌سوم کاهش یافته است (عسکری کرمانی و صفار، ۱۴۰۱: ۱۰۷). در سال ۲۰۱۶ م. با به‌قدرت رسیدن دونالد ترامپ و پایان دوره ریاست‌جمهوری اوباما، بنا به اصل راهبردی پرهیز از دخالت هزینه‌زا سیاست خارجی آمریکا در امور بین‌المللی و عدم نتیجه‌گیری از اقدامات نظامی به سمت کاهش نیروها در افغانستان سوق پیدا نمود. ترامپ در وعده‌های انتخاباتی خود قول خروج نیروهای آمریکا از افغانستان را داد. مذاکرات طالبان و آمریکا با مشارکت فعال پاکستان و به میزبانی قطر صورت گرفت. در فوریه سال ۲۰۲۰ م. در نهایت به امضا صلح بین دو طرف منجر گردید (هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۹: ۱۴۳). افغانستان در سال ۲۰۲۱ م. زیر فشار نیروهای جنگنده طالبان قرار گرفتند و شهرها دومینووار یکی پس از دیگر سقوط کردند تا اینکه نیروهای طالبان به دروازه‌های کابل رسیدند.

سرانجام در نیمه آگوست و در میان شکفتی جهانیان پایتخت سقوط کرد و طالبان موفق شد برای دومین بار قدرت را در افغانستان در دست بگیرد و دگرگونی سریع در نظام سیاسی افغانستان را در جهت احیای امارت اسلامی ساقط شده در سال ۲۰۰۱ آغاز کند (عباس‌زاده مرزبالی، طالشی کلتی، ۱۴۰۱: ۱۰۶). علی‌رغم موقعیت مناسب ایران در حوزه روابط اقتصادی با افغانستان، به دنبال خروج نیروهای خارجی از این کشور و روی کار آمدن طالبان، دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان با چالش‌های چشمگیری روبه‌رو است. با این حال، در حوزه صادرات کالا، علی‌رغم کاهش

صادرات ایران به افغانستان بعد از گذار تدریجی روابط تجاری دو کشور از شوک قدرت گیر طالبان، شاهد روند روبه رشد صادرات به افغانستان بوده ایم؛ به طوری که شاهد رشد ۱۵ درصدی صادرات در سه ماهه دوم سال ۱۴۰۱ نسبت به سه ماه نخست همین سال بوده ایم. ماهیت مصرفی کالاهای صادرشده به افغانستان باعث شده است تا ایران بتواند بخشی از بازار افغانستان را همچنان در اختیار داشته باشد؛ از سوی دیگر با توجه اینکه طرف قرارداد شرکت‌ها و فعالان اقتصادی ایران، عمدتاً بخش خصوصی این کشور بوده است، چارچوب‌ها و بستر روابط تجاری پیشین همچنان پا برجاست (عسکری کرمانی و صفار، ۱۴۰۱: ۱۱۰).

ظهور مجدد طالبان در رأس قدرت در افغانستان به لحاظ استراتژیک، پیامدهای متعددی به همراه دارد. فراهم شدن زمینه برای حضور بیشتر کشورهای رقیب منطقه‌ای در قبال افغانستان، عدم شناسایی دولت طالبان از طرف جامعه جهانی و کشورهای همسایه افغانستان، قطع کمک‌های مالی بین‌المللی از جمله متغیرهای تأثیرگذار بر روابط تجاری افغانستان و ایران است؛ بنابراین پیگیری سیاست تنش‌زدایی و مذاکره ایران با بازیگران منطقه‌ای و جهانی، و ارتباط منسجم و پیوسته با اقتصاد جهانی اهمیت ویژه در حفظ سهم ایران از بازار افغانستان خواهد داشت. از سوی دیگر تا زمانی که شرایط نااطمینانی و بی‌ثباتی‌های سیاسی و عدم شناسایی دولت طالبان در افغانستان پابرجا باشد، چشم‌انداز روابط تجاری ایران و افغانستان دشوار و مبهم خواهد بود؛ وضعیتی رقابتی کشورهای منطقه از جمله ترکیه، پاکستان، هند، چین برای تصرف بازار مصرفی افغانستان به این مسئله بیشتر دامن خواهد زد. ضرورت‌ها و فرصت‌های اقتصادی و تجاری تهران - کابل در شکل (۱) به طور اجمال به تصویر کشیده شده‌اند، و این خود بر اهمیت مقوله اقتصادی در ایران و افغانستان و نیازمندی متقابل تهران و کابل به گسترش و تعمیق روابط تجاری است.

شکل (۱): فرصت‌ها و ضرورت‌های متقابل اقتصادی و تجاری ایران و



۳. شرکای تجاری ایران و افغانستان

پذیرفته شدن به‌عنوان یک شریک تجاری قابل اطمینان در دنیای تجارت امروز، تابع شرایط خاصی است. طبعاً هر چه ارتباط تجاری کشور صادرکننده با کشوری هدف از جهت رشد اقتصادی و گسترش تجارت، طولانی‌تر و محکم‌تر باشد، این شراکت می‌تواند منجر به بازی برد - برد در جهت اهداف طرفین شود؛ بنابراین ثمره یافتن شرکای تجاری بلندمدت و هدف‌مند، بهره‌مندی از مزایای تجارت پرسود و در نتیجه کاستن از سنگینی وزن سیاست بر شانه‌های اقتصاد ملی است.

طی سال ۱۴۰۰ش. بیشترین میزان صادرات کشور ایران، به مقصد کشورهای «چین» با رقم بالغ بر ۱۴، ۳۲۳ میلیون دلار و سهم ۲۹، ۵ درصد از کل ارزش صادرات، «عرق» با ۸۹۱۵ میلیون دلار و سهم ۱۸، ۳ درصد، «امارات متحده عربی» با ۴۹۲۹ میلیون دلار و سهم ۱۰، ۱ درصد، «ترکیه» با ۶۰۸۱ میلیون دلار

و سهم ۱۲، ۵ درصد و کشور «افغانستان» ۱۸۳۹ میلیون دلار و سهم ۳، ۸ درصد، ده کشور نخست صادراتی ۸۶ درصد سهم ارزشی از کل صادرات ایران را به خود اختصاص داده است. کم بودن تعداد طرف‌های عمده تجاری ایران در بخش صادرات و واردات، از چالش‌های تجارت خارجی ایران به شمار می‌رود، ۶۰ تا ۶۷ درصد کل اقلام صادراتی یا وارداتی تنها با ۵ کشور مرآمده می‌گردد؛ بنابراین با استفاده از این فرصت‌های همکاری می‌توان به تسهیل تجاری و گسترش شبکه توزیع و بازاریابی کمک شایانی کرد. البته شکی نیست که این فرصت‌ها نیازمند برنامه‌ریزی بیشتری از طرف متخصصین و مشاورین بازرگانی است که عمدتاً در لایه‌های بالای مدیریتی باید به این مهم توجه کرد.

جدول (۲): مهم‌ترین کشورهای صادراتی ایران طی سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ (میلیون دلار)

رتبه در سال ۱۳۰۰	نام کشور	سال ۱۳۰۰		سال ۱۳۹۹		درصد تغییرات	
		ارزش	وزن	ارزش	وزن	وزن	ارزش
۱	چین	۱۲۲۲۲	۲۸۹۵	۲۹.۵	۹.۷۶	۲۶۹۵۲	۵۸
۲	عراق	۸۹۱۵	۲۹۸۷۹	۱۸.۲	۷۲۲۸	۲۵۶۷۰	۲۰
۳	ترکیه	۶۰۸۱	۱۵۷۲۸	۱۲.۵	۲۵۲۶	۶۲۸۲	۱۴۱
۴	امارات متحده عربی	۴۲۲۹	۱۰۷۲۲	۱۰.۱	۲۶۶۱	۱۵۲۲۷	۶
۵	افغانستان	۱۸۲۹	۲۱۸۶	۲.۸	۲۲.۶	۷۰۲۸	-۲۰
۶	هند	۱۸۱۷	۶۷۲۲	۲.۷	۱۲۸۱	۷۶۰۰	۲۲
۷	پاکستان	۱۲۶۱	۲۹.۶	۲.۶	۱۰۰۲	۲۵۴۸	۲۶
۸	اندونزی	۱۱۰۱	۱۷۲۹	۲.۳	۶۷۲	۱۶۱۹	۶۲
۹	تایلند	۷۸۲	۱۲۴۱	۱.۶	۲۲۲	۱۲۲۸	۵۹
۱۰	عمان	۷۱۶	۲۲۸۲	۱.۵	۲۲۸	۱۹۹۷	۶۲
۱۱	فدراسیون روسیه	۵۷۹	۱۱۴۰	۱.۲	۵۰۴	۱۰۰۱	۱۵
۱۲	آذربایجان	۵۶۵	۸۲۹	۱.۲	۵۱۱	۱۰۰۲	۱۱
۱۳	ازبکستان	۴۰۲	۷۱۲	۰.۸	۱۶۵	۲۲۶	۱۲۴
۱۴	عنا	۲۵۲	۵۸۶	۰.۷	۱۷۸	۴۵۵	۹۸
۱۵	ترکمنستان	۲۲۵	۱۲۴۲	۰.۷	۱۲۷	۷۲۲	۱۲۴
۱۶	ارمنستان	۲۰۴	۱۰۵۴	۰.۶	۴۰۵	۱۲۴۶	۰
۱۷	آلمان	۲۶۵	۵۶	۰.۵	۲۲۲	۲۹	۱۴
۱۸	آفریقای جنوبی	۲۵۲	۵۵۲	۰.۵	۲۸	۱۲۷	۵۷۰
۱۹	جمهوری عربی سوریه	۲۱۸	۱۲۲	۰.۲	۱۱۵	۱۲۶	۹۰
۲۰	میانمار (برمه)	۱۹۶	۲۶۲	۰.۲	۱۵۹	۲۷۸	۲۲
جمع		۲۵۲۲۶	۱۱۱۲۲۲	۹۲	۲۲۲۵۰	۱۰۲۰۵۶	۲۰

مأخذ: گمرک ج. ا. ایران

طی سال ۱۴۰۰، پنج مبدأ بزرگ وارداتی ایران از کشورهای چون امارات متحده عربی با ارزش ۱۶۵۳۲ میلیون دلار و سهم ۳۱ درصد از کل واردات، چین ۱۲۷۳۷ میلیون دلار و سهم ۲۴ درصد، ترکیه، ۵۲۹۲ میلیون دلار و سهم ۱۰ درصد، آلمان ۱۹۱۸ میلیون دلار و سهم ۳.۶ درصد و فدراسیون روسیه ۱۶۶۳ میلیون دلار و سهم ۳ درصد، ۷۲ درصد کل واردات ایران از این پنج کشور صورت است (سازمان توسعه

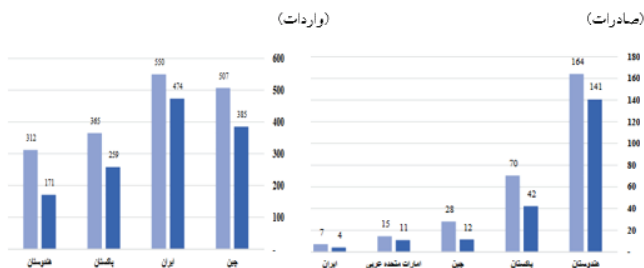
و تجارت، (۱۴۰۰).

افغانستان بعد از سال ۲۰۰۱م. به منظور رونق تجارت خود تلاش نمود تا روابط با جهان را در تمام زمینه‌ها ارتقا بخشد. دسترسی به بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی را در طرح انکشاف ملی افغانستان برای این کشور ضروری دانسته. آمارهای مربوط به واردات و صادرات افغانستان و حجم مبادلات و تراز تجاری این کشور پس از جنگ نیز نشان از بهبود فعالیت‌های اقتصادی آن دارد.

اما از سال ۲۰۰۶، کسری تجاری افغانستان با افزایش واردات به دلیل تلاش‌ها برای بازسازی افزایش یافته است. در سال مالی ۲۰۲۰ روند واردات و صادرات افغانستان تحت تأثیر بحران شیوع ویروس کرونا قرار گرفت. افغانستان کسری تجاری ۱.۴ - میلیارد دلاری را برای سال ۲۰۲۰ متحمل شد که ۱.۳۱ درصد نسبت به سال قبل (سال ۲۰۱۹ به میزان ۹.۵ - میلیارد دلار) کاهش یافته است. صادرات افغانستان طی سال ۲۰۲۰ در مقایسه با سال ۲۰۱۹ حدود ۱۰ درصد کاهش داشته است همچنین واردات افغانستان طی سال مالی ۲۰۲۰ در مقایسه با سال ۲۰۱۹ حدود ۴ درصد کاهش داشته است.

بنا به گزارش وزارت مالیه افغانستان، حجم صادرات افغانستان در ربع دوم سال مالی ۲۰۲۱ کاهش پیدا کرده است. صادرات اموال در مقایسه با ربع اول سال جاری تا ۳۳.۷ درصد فروکش نموده است که به ترتیب از ۲۰۲ میلیارد به ۱۳۴ میلیارد دلار رسیده است. هندوستان، پاکستان، و چین از شرکای عمده تجاری در بخش صادرات به ترتیب ۴۹ درصد، ۲۱ درصد، و ۸ درصد سهم تجاری داشته است. در بخش واردات کشورهای چین، ایران، پاکستان از جمله شرکای تجاری افغانستان محسوب می‌شود که در سال ۲۰۱۲ به ترتیب ۱۶ درصد، ۱۸ درصد، و ۱۲ درصد سهم داشته است (وزارت مالیه افغانستان، ۱۴۰۰). چنانچه در شکل زیر (۳)، شرکای عمده تجاری افغانستان نشان داده شده است.

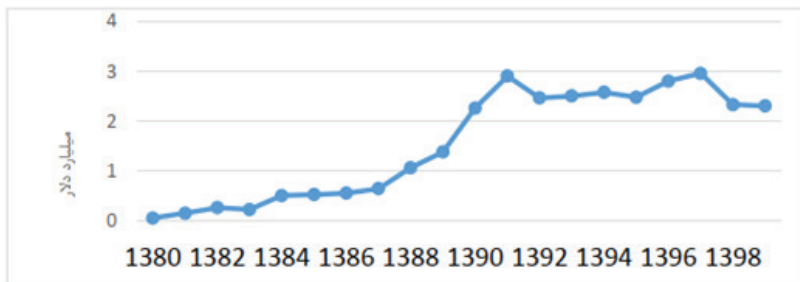
شکل (۴) شرکای عمده‌ای تجاری افغانستان در بخش صادرات واردات (میلیارد دلار)



۴. حجم مبادلات تجاری ایران افغانستان

روابط اقتصادی افغانستان و ایران که بیشتر در محور فعالیت‌های تجاری بوده، در طول سال‌های گذشته، افزایش قابل ملاحظه و چشمگیری داشته است؛ یکی از دلایلی که سبب شده این روابط علی‌رغم وجود موانع گسترش یابد، این بوده که دو کشور همواره بر گسترش روابط میان یکدیگر تأکید کرده و حتی با تشکیل اتاق تجارت مشترک که نمایندگی‌هایی در هر دو کشور دارد، سعی شده تا موانع موجود را از میان برداشته، اما باید گفت که هنوز مشکلات بسیاری در روابط تجاری میان ایران و افغانستان وجود دارد. روابط تجاری میان ایران و افغانستان، به گونه‌ای یک طرفه بوده است، و بیشتر به نفع کشور ایران بوده است (معدی و فضل، ۱۳۹۲: ۳۰). عدم دسترسی افغانستان به آب‌های آزاد، وقوع جنگ‌ها، عدم زیرساخت‌های اقتصادی سهم اندک صنعت در اقتصاد، نرخ بازدهی پائین کشاورزی و بسیار موارد دیگر باعث گردیده که این کشور در تجارت و بازرگانی بیشتر به همسایه‌های خود از جمله ایران و پاکستان متکی باشد. از طرف دیگر بر اثر تحریم‌های امریکا، اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل بعضی از شرکای تجاری ایران تجارت خود را با این کشور به شدت کاهش داده است. از آنجای که پیدا کردن بازارهای مناسب برای محصولات یک کشور موجب استفاده از صرفه‌های ناشی از مقیاس شده و باعث کاهش هزینه و تولید می‌گردد. بر اساس تجارت بین‌الملل، عوامل زادی بر تجارت مؤثرند یکی از این عوامل قربات‌های مذهبی و فرهنگی است. این موضوع باعث شده است که ایران برای پر نمودن خلأ به وجود آمده برای جریان انداختن تجارت خارجی

خود به سراغ بازار کشورهای دیگر از جمله بازار ۷ میلیارد دلاری وارداتی افغانستان برود و تجارت را با افغانستان گسترش دهد. اضافه بر این، هم‌مرز بودن، اشتراکات فرهنگی افغانستان و ایران از دیگر مسائل که در گسترش تجارت ایران و افغانستان تأثیر گذاشته است. روند تجارت ایران افغانستان در شکل ریز نشان داده شده است. شکل (۴) روند تجارت ایران افغانستان



مأخذ: گمرک جمهوری ا. ا. ایران

نمودار فوق نشان می‌دهد که تجارت ایران و افغانستان از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۹ با وجود آنکه در بعضی از سال‌ها نسبت به سال قبل آن کاهش داشته است؛ اما به طور میانگین روند افزایشی داشته است. تجارت دو کشور در بازه زمانی مذکور به طور میانگین بیش از ۲ برابر افزایش یافته است (مهرگان و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۷). طوریکه در سال ۱۳۹۸ حجم صادرات ایران به افغانستان ۲۳۲۴۳۲۶۳۳۸ دلار و واردات به افغانستان ۷۶۵۷۶۳۳ دلار رسید و نسبت به سال ۱۳۹۶ کاهش ۱۸٪ را تجربه کرد.

۵. ظرفیت‌های روابط تجاری بین افغانستان و ایران

سطح روابط تجاری ایران و افغانستان با توجه به پیشینه فرهنگی از عمق زیادی برخوردار است هرچند از لحاظ تجاری هنوز به سطح مطلوب نرسیده است، وجود ۳/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۶ ش. حجم تجارت ایران و افغانستان کمتر از قابلیت‌های دو کشور است و شرکت‌های صادراتی ایران امکانات سرمایه‌گذاری

و توسعه صادرات در گروه‌های مختلف مانند خودرو، پتروشیمی، گاز، معدن، و صنعت را به افغانستان دارد و درحالی‌که خدمات فنی مهندسی ایران در حال ارائه به ۳۸ کشور دنیا است. صادرات ایران به افغانستان مربوط به کالاهایی سرمایه‌ای بادانش فنی به گفته معاون وزیر بازرگانی ایران حدود چهار درصد بوده است. با تبعیت از نظام بازار آزاد در عرصه سرمایه‌گذاری افغانستان، قانون جدید را تصویب نموده که بر اساس آن تسهیلات خوبی برای سرمایه‌گذاری خارجی فراهم شده است. در عرصه معادن، کشاورزی، و انرژی افغانستان به سرمایه‌گذاری وسیعی نیازمند است. به دلیل توانمندی خود ایران می‌تواند در این زمینه‌ها و بخش‌ها سهم بسیار خوبی داشته باشد. تجارت ایران و افغانستان هرچند هم اکنون از توازن برخوردار نیست. ولی محصولات زراعی، سنگ‌های قیمتی، خشکبار و مرکبات، صنایع دستی، و فرش دستباف در ایران تقاضا دارد. با حضور سفیر ایران در افغانستان و سفیر دولت سابق افغانستان در ایران و جمعی از فعالان تجاری و اقتصادی در همایش توسعه روابط تجاری ایران و افغانستان اعلان شد که ظرفیت‌های بسیار بالایی برای صادرات و واردات خدمات و کالا بین دو کشور وجود دارد که می‌تواند تا شش میلیارد دلار حجم تجارت بین دو کشور افزایش یابد (قلندری، ۱۳۹۲: ۹۹). افغانستان از هر طرف از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب نقطه تلاقی کشورهای منطقه است، اتصال این کشورها با یکدیگر و قاره‌ها آب‌های آزاد از مسیر افغانستان می‌گذرد. منطقه غرب آسیا از نظر مناسبات فرهنگی و همبستگی‌های ایدئولوژیکی، ژئواکونومیکی از امکانات و توازن بسیار بالایی برخوردار است. از منظر ژئواکونومیکی و اقتصادی وجود بسترها، ذخایر عظیم معدنی و هیدروکربنی موردنیاز کشورهای صنعتی حدود ۷۰٪ ذخایر نفتی و گاز جهان در این منطقه نهفته است. روابط ایران و افغانستان در این منظومه هم برای حوزه غرب آسیا و هم برای همدیگر حیاتی و بنیادین به حساب می‌آید که در راستای اعتلای شرایط باید بهره برده شود. علاوه بر این پیشینه تاریخی مشترک، مجاورت و گستردگی مرزهای جغرافیایی، زبانی، و هم‌پیوندهای فرهنگی زمینه‌های پر بار و مساعد برای توسعه روابط و همکاری‌های متقابل در عرصه اقتصادی بخصوص در بخش حمل‌ونقل و ارتباط دارا است. در قالب همکاری‌های

سازمان اکو افغانستان حلقه واسط و پیونددهنده آسیا مرکزی ایران و هند به دریای آزاد و بنادر است. بنادر دریای ایران همانند بندرعباس و چابهار نقشی اساسی را در زمینه ترانزیت مواد خام و انرژی آسیای میانه به مناطق مختلف جهان می‌تواند ایفا نماید؛ بنابراین افغانستان و ایران از زمینه‌های زیادی در راستای همکاری‌های متقابل برخوردار است و باید بیش از پیش از این پتانسیل استفاده نماید (قاسمی، ۱۳۹۳: ۷۷). موقعیت جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی بعضی از کشورهای همسایه ایران از جمله افغانستان ظرفیت‌ها و فرصت‌ها بالقوه را بخصوص استان‌های مرزی مانند خراسان جنوبی ایران فراهم نموده است که با بهره‌گیری مناسب می‌توان از آن‌ها بر سرعت رشد و توسعه اقتصادی این دو کشور افزود. با داشتن نقاط اشتراک جغرافیایی، فرهنگی، زبانی، و دینی ایران با افغانستان دارای مزیت‌های نسبی و مطلق فراوان در مقایسه با سایر کشورهای فعال در حوزه تجارت و سرمایه‌گذاری با افغانستان است (محمدی، ۱۴۰۰: ۱۵۰).

۶. موانع و چالش‌های تجاری ایران افغانستان

موانع و چالش تجاری بین ایران و افغانستان را می‌توان به‌عنوان فهرست، جایگاه ضعیف افغانستان در سیاست نگاه به شرق ایران، رشد بیکاری و فرار سرمایه مادی و انسانی از افغانستان، توسعه ناکارآمد و ناهمگن صنعتی، ساختارهای ناکارآمد تولید، سطح پایین تکنولوژی و فناوری، سطح پایین رفاه، وجود انواع تبعیض در استفاده از امکانات و فرصت‌ها، شکاف طبقاتی و درآمدی در سطوح مختلف اجتماعی، تفاوت در منافع و رویکردها، بی‌ثباتی سیاسی افغانستان، اقتصاد رانتی تری نفت، سقوط دولت در افغانستان و روی کار آمدن مجدد طالبان، ماهیت و گفتمان غیر اقتصادی، نفوذ اقتصادی و سیاسی کشورهای منطقه‌ای، ناکارآمدی سازمان‌های منطقه‌ای، موانع فرامنطقه‌ای، پس‌لرزه‌های پس‌سایبرجام و تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی ذکر نمود. نبود سیستم خدماتی و نهادهای مالی مناسب، نبود زیرساخت‌های مناسب و برخوردار از استانداردهای جهانی در امر صادرات مجدد، اتکا به ناوگان حمل‌ونقل جاده‌ای، نبود نظام بانکی بین‌المللی،

ضعف مدیریت گردش پول، فساد اداری در زمینه حمل و نقل عدم شفافیت قوانین، کمبود زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های مناسب جهت سرمایه‌گذاران (آب، برق، جاده و...) اعمال محدودیت‌های جدی از سوی کشورهای غربی مستقر در افغانستان برای ایران و حضور رقباتی قوی در سرمایه‌گذاری این کشور اشاره نمود (محمدی، ۱۴۰۰: ۱۰۹).

۷. نتیجه

از بررسی روابط تجاری بین دو کشور همسایه و دوست ایران و افغانستان در سه حکومت اخیر ایران، می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱. روابط اقتصادی و تجاری ایران و افغانستان در طی این سه حکومت با اینکه با چالش‌ها و موانع مختلف و جدی مواجه بوده اما هرگز، این روابط متوقف نشده و این دو کشور روابط تجاری با یکدیگر را همیشه ادامه داده‌اند.

۲. ایران و افغانستان به جهت تحریم‌های شدید، ضربه‌های جدی از ناحیه صادرات و واردات با کشورهای دیگر، خورده‌اند برای همین هم نیاز جدی به تجارت با یکدیگر دارند تا آثار منفی تحریم اقتصادی را کم کنند.

۸. منابع

۱. ادوای، مظهر (۱۳۹۳)، «روابط اقتصادی ایران و افغانستان در دوره پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۲۰ ش.) صادرات و واردات»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره، ۵۸-۵۹، صص ۱۶۹-۱۳۳.

۲. حقجو، روح‌الله (۱۳۹۸). «شناسای و رتبه‌بندی چالش‌های تجارت ایران و افغانستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام. ص ۱۴.

۳. خزایی، سعید، محمودزاده، امیر (۱۳۹۳)، «آینده‌پژوهی»، انتشارات علم آفرین.

۴. سازمان توسعه و تجارت (۱۴۰۰)، «گزارش اجمالی عملکرد تجارت خارجی کشور»، دفتر برنامه‌زیری، آمار و پژوهش‌های تجاری.

۵. عباس زاده مرزبالی، محسن، طالشی کلتی، کوثر (۱۴۰۱)، «طالبان و بازیابی حاکمیت: جنبش قوی، دولت ملت ضعیف»، فصلنامه بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال ۴، شماره ۱۳، پاییز ۱۴۰۱.
۶. عباسی، ابراهیم، رنجبردار، مجید (۱۳۸۹)، «کمک‌های مالی ایران به افغانستان: اهداف و آثار اقتصادی آن»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۳، شماره ۳، صص ۲۲۹-۱۹۵.
۷. عسکر کرمانی، حامد، صفار، آرش (۱۴۰۱)، «پیامدهای ظهور دوباره طالبان برای دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۴، شماره ۵.
۸. عیسوی، چارلز --- «تاریخ اقتصادی ایران». ترجمه یعقوب آژند (۱۳۶۲). تهران: نشر گستره.
۹. فرهنگ، عبدالهادی (۱۳۹۵) «تجارت میان افغانستان و ایران؛ یک دهه ارتباط»، تهران عرفان.
۱۰. قاسمی، عبدالخالق (۱۳۹۳)، «راهبردهای گسترش روابط اقتصادی ایران و افغانستان»، پایان‌نامه کارشناسی اشد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تهران.
۱۱. قلندری سردار (۱۳۹۲) «بررسی موانع توسعه روابط تجاری ایران و افغانستان»، (پایان‌نامه) دانشگاه بین‌المللی امام خمینی دانشکده علوم اجتماعی.
۱۲. محمدی، اسدالله (۱۴۰۰)، «بازتولید نظام تجاری ایران و افغانستان با تاکید بر استراتژی احیای جاده ابریشم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه قم.
۱۳. مختاری، محمدتقی، و همکاران (۱۳۹۴). «بازکاری نقش انگلستان و کمپانی هند شرقی در جدایی افغانستان از ایران دوره قاجار». فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، شماره ۳، صص ۱۱۸-۹۷.
۱۴. معادی، نجمه، فضل‌ی، صفری، (۱۳۹۱). «برآورد تحلیل اقتصادی تزار تجاری ایران و افغانستان بین سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۳». دومین همایش بین‌المللی

مدیریت و فرهنگ توسعه، ص ۵۴ - ۸.

۱۵. مهرگان، و همکاران (۱۴۰۱)، «نقش تحریم‌های اقتصادی در تجارت بین ایران و افغانستان»، فصلنامه علمی اقتصادی و بانکداری، شماره ۳۸، صص ۱۲۸-۲۵۷.

۱۶. نیرآبادی، معصومه (۱۳۸۹)، «روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ایران و افغانستان در دوره پهلوی اول»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی،

۱۷. وزارت مالیه افغانستان (۱۴۰۰)، «گزارش‌های اقتصادی - مالی (۱۴۰۰)».

۱۸. یوسف‌زهی، ناصر، حمیدی، سمیه (۱۳۹۶)، «نقش بازی بزرگ در شکنندگی تعاملات خارجی دولت قاجار». فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال ۱۸، شماره ۷۲، صص ۱۳۸-۱۰۷.

۱۹. یوسف‌زهی، ناصر، و همکاران (۱۳۹۷) «آسیب شناسی روابط بازرگانی ایران و افغانستان از منظر رهیافت اقتصاد سیاسی ۲۰۰۱-۲۰۱۸». پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۳، شماره ۲، بهار ۱۳۹۷.

منابع انگلیسی

20. Balassa, B. (1967), 'Trade Creation and Trade Diversion in the
21. European Common Market', The Economic Journal, 77(305), 1-21.
22. Ades, A., Glaeser, E. L. (1999); "Evidence on Growth, Increasing Returns and the Extent of the Market", Quarterly Journal of Economics, 114(3): 1025- 1046.

